



۲۰۱۶/۰۹/۱۷



م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

سبحه و دستار!



نوشته استاد بزرگوار، «محمد اسحق نگارگر» زیر عنوان «گر مسلمانی همین است که حافظ دارد»، انتشار یافته ۱۵ سپتمبر در سایت وزین «آریانا افغانستان آنلاین» مرا هم به یاد سروده ای انداخت که در پایان از نظر می گذرد:

همه غرق به پندار خودند

از خدا کرده فراموش و گرفتار خود اند
در پرستاری نفس خود و بیمار خود اند
پی آرایش ریش خود و دستار خود اند
پرده دار گنه بیحد و بسیار خود اند
پی بلعیدن اموال همه، مار خود اند
باده پیمای جنون در پس دیوار خود اند
غافل از قید خود و بیخبر از دار خود اند
در حقیقت همه با قطی نصور خود اند
خود فروشند، مگر جمله خریدار خود اند
همنوی هم و همکاسه و همکار خود اند

بسکه این طالب و ملا به غم کار خود اند
ظاهراً چله نشین اند، مگر جله گزین
بهر آسایش مردم نگذارند قدم
برملا می نکنند آنچه به خلوت دارند
همچو گزدم که بود نیش زدن خصلت شان
مست ترویج ترورند و نگه دار قبور
«هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»
تکیه بر مسند شورا زده اند، اما حیف
جز خود و منزلت خویش نگویند سخن
رهزنان ادبند و به ره راهزنی

زشت می گویم و گوش شنوا نیست «اسیر»

چون همه غرق به کردار و به پندار خود اند

م. نسیم «اسیر» ۸ می ۲۰۰۷م، فرانکفورت